

آثار متقابل قوانین ملی و بین‌المللی حق مؤلف

دکتر عباس حرّی

استاد دانشگاه در رشته علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی

چکیده

حق مؤلف، نوعی حق عینی و معنوی است که آثار تولید شده توسط افراد را مورد حمایت قرار می‌دهد و از جمله حقوقی است که در جوامع مختلف با اختلاف‌هایی وجود دارد. حق مؤلف در هر کشور از قوانین مشابه سایر کشورها و نیز قوانین بین‌المللی مرتبط تأثیر پذیرفته و به نوبه خود بر قوانین ملی سایر جوامع و نیز مفاد قوانین جهانی اثر گذاشته است. قوانین حق مؤلف ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست، زیرا اصل این قوانین با یکدیگر قرابت دارند و دلیلی ندارد که اجرای آن‌ها در ساختاری همگون از الگوی واحدی تبعیت نکنند. مشارکت در میثاق‌های جهانی سبب همگونی در اجرای قوانین از یک سو و حفظ حقوق پدیدآورندگان در مقیاس ملی از سوی دیگر خواهد شد.

حق مؤلف (کپی‌رایت) هم به معنای حق مالکیت و نظارت بر اثری از نویسنده و به تعبیر دیگر حق انحصاری است و هم حق تکثیر آن اثر را شامل می‌شود. به همین دلیل دو نظریه «مالکیت معنوی» در مورد آن

وجود دارد که اولی حقوقی نامحدود و دائمی برای ساحت آن قائل است و دیگری آن را حقی انحصاری می‌شمارد و حمایت از مؤلف را محدود می‌داند (نصری، ۱۹۹۳).

«حق مؤلف» مفهومی بالنسبه متأخر است و در مورد کتاب، به ویژه، دو عامل عمده در پیدایش آن دخیل بوده است: یکی پیدایش چاپ با حروف متحرک که کار نسخه‌برداری و تکثیر از یک اثر را تسهیل می‌کرد؛ دیگری پیچیدگی نظام‌های اجتماعی که جوامع را ناگزیر می‌ساخت روابط میان آحاد جامعه را تحت قاعده درآورند. قوانین مربوط به حق مؤلف، در واقع، بخشی از قوانین کلی حیات اجتماعی است و برای توجیه حضور آن چهار دلیل را برمی‌شمارند.

۱. الزامات ملی

هر پدیدآورنده‌ای آفریننده یا تولیدکننده اثری است که نشان‌دهنده ویژگی‌های شخصی اوست و مختار است درباره انتشار و شکل نشر اثر خود تصمیم بگیرد و از ایراد خسارت نسبت به آن جلوگیری کند. او نظیر هر تولیدکننده‌ای حق دارد از حاصل تلاش‌های خود بهره‌مند گردد.

۲. الزامات اقتصادی

در جهان امروز، برای خلق یک اثر فکری، از قبیل فیلم و مواردی از این نوع، نیاز به سرمایه‌گذاری هنگفتی است؛ و هدف از هر گونه آفرینش فکری نیز آن است که محصول در مقیاسی هر چه گسترده‌تر در اختیار عموم قرار گیرد. فرآیند نشر و توزیع نیز، در این مرحله از کار، سرمایه‌گذاری درخور اعتنایی طلب می‌کند. این گونه سرمایه‌گذاری‌ها از نظر اقتصادی به این دلیل صورت می‌گیرد که سود معقولی از آن عاید گردد. هرگاه از مسیری به جز مسیر مورد توافق و تعریف شده، تکثیر و

توزیعی از اثر صورت گیرد، زبانی اقتصادی متوجه صاحبان اثر خواهد کرد که ملاک‌های اقتصادی آن را نمی‌پذیرد.

۳. الزامات فرهنگی

آثار پدید آورندگان نوعی دارایی ملی است. بنابراین، تشویق و ترغیب هر گونه خلاقیت و حمایت از آن، نوعی مشارکت در توسعه فرهنگ ملی است. طبعاً بی‌اعتنایی به نوآوری‌ها و خلاقیت‌ها از طریق تجاوز به حریم فکری، فنی و هنری افراد سبب دلزدگی نسبت به تولید خلاق و، در دراز مدت، منجر به افول و رکود فرهنگی خواهد شد.

۴. الزامات اجتماعی

توزیع آثار در میان تعداد زیادی از مردم پیوند میان قشرها و گروه‌های اجتماعی و سنی را تحکیم می‌بخشد و تولیدکنندگان، در واقع، به عرضه نوعی خدمات اجتماعی می‌پردازند. بنابراین، هرگاه مردم در اندیشه‌ها و تجربه‌های آفرینندگان آثار سهیم شوند، قادر خواهند بود در پیشبرد جامعه مشارکت مؤثرتر داشته باشند (استوارت، ۱۹۸۹، ص ۳-۴).

با کمی دقت می‌توان دریافت که دلایل چهارگانه مورد اشاره دارای وجهه شدید اجتماعی است و به عنوان وجهی از قوانین مدنی تنها در ساختاری جمعی معنا می‌یابد. زندگی اجتماعی یعنی این‌که افراد، در عین آزادی در برخوردار از حقوق فردی، ناگزیرند به گونه‌ای عمل کنند که سبب اختلال در آزادی دیگران - یعنی صاحبان همین حق آزادی - نشوند. هرگز نمی‌توان مفهوم آزادی فردی در عصر حاضر را با شاخص‌های آزادی فردی در عصر غارنشینی تبیین کرد. دخالت قانون در نظام‌مند کردن شیوه برخوردار از حقوق فردی، در واقع، چیزی جز این نیست که قواعد

استفاده از حقوق فردی آحاد جامعه و نیز قواعد عدم تجاوز به حقوق فردی آنان را تدوین و لازم‌الاجراء سازد:

حق مؤلف، یا در حوزه‌ای گسترده‌تر حق مالکیت معنوی، از جمله حقوقی است که انسان، از زمان تولید حاصل ذهن و دست خود، نسبت به آن حساسیت دارد و علاقه‌مند است که دیگران، در عین استفاده از آن، تعلق قانونی‌اش به مولد و صاحب اندیشه آن را احترام بگذارند.

وظیفه قانون، به عنوان پدیده‌ای اجتماعی، آن است که حقوق افراد را حفظ کند و دیگران را نیز به حفظ آن وادار سازد. این اصل در هر جامعه‌ای صادق است و کسی منکر آن نیست. آنچه ممکن است مورد اختلاف باشد تعبیر و تفسیر قانون است؛ از جمله این‌که: تعریف مالکیت چیست؟ مالکیت تحت چه شرایطی احراز می‌شود؟ در چه شرایطی می‌توان ادعا کرد که به مالکیت فردی تجاوزی صورت گرفته است؟ و از این قبیل. عمده تبیین‌های ما از حق مؤلف نیز به دلیل تفاوت در تفسیر حقوقدانان و فقها از چنین مالکیتی است. اما هیچ‌گاه این تفسیرها سبب نشده است که احترام به مالکیت، به عنوان یک اصل، مورد انکار یا تردید قرار گیرد.

نکته ظریفی که در این جا باید به آن توجه داشت این است که جامعه جهانی امروز نقشی همانند جامعه ملی یافته است و، بنابراین، نقش هر جامعه ملی در بستر جامعه جهانی شبیه نقش فرد در یک جامعه ملی است. اگر می‌پذیریم که حفظ حقوق فردی از افراد نباید سبب هتک حریم دیگر افراد جامعه گردد، باید پذیرفت که حفظ حقوق یک جامعه نیز نباید هتک حریم دیگر جوامع را به دنبال داشته باشد. چنین الزامی از آن‌جا پدید می‌آید که قوانین مربوط به حق مؤلف در جوامع ملی عمدتاً از قوانین جامعه جهانی اقتباس و با فرهنگ بومی سازگار شده و متقابلاً قوانین جامعه جهانی نیز از برآیند قوانین جوامع ملی حاصل آمده و سپس

به همان جوامع تسری یافته است. نمونه‌هایی از این‌گونه روابط متقابل را در سیر تحوّل و شکل‌گیری این قوانین می‌توان بازشناخت. در قوانین فرانسه به مؤلف حق اخلاقی غیر قابل واگذاری اعطا می‌شود، شناسایی اثر او را ضمانت می‌کند و از وی در مقابل هرگونه تحریف یا تغییری حمایت می‌کند. این نگرش، شالوده «معاهده برن»^۱ است (نصری، ۱۹۹۳). «قانون آن»^۲، که تا سال ۱۷۱۰ معتبر بود و نخستین قانون حق مؤلف در انگلیس به شمار می‌رفت، مفهوماً بند ۸ از ماده ۱ قانون اساسی ایالات متحده را تشکیل می‌داد و تا سال ۱۷۹۰ که اولین قانون حق مؤلف ایالات متحده وضع شد اعتبار داشت.

اسپانیا مدت یکصد سال (از ۱۸۷۹ تا ۱۹۷۹) از قوانین خاص خود استفاده می‌کرد و، به جز چند تغییر اندک، بدون هیچ دگرگونی باقی ماند؛ اما یکی از اعضای اصلی معاهده برن به حساب می‌آید و به آن تن داده است (تامسون، ۱۹۸۹، ص ۳۶۳). کنفرانس‌های مربوط به تجدید نظر معاهده برن آثار مهمی بر قوانین حق مؤلف آلمان بر جای گذاشت؛ از جمله این‌که در قانون ۱۹۰۸ برلن، برای نخستین بار، عکس و فیلم هم مشمول قانون حق مؤلف شد و این امر در متمم قانون حق مؤلف ۱۹۱۰ این کشور نیز منعکس گردید (اولمر، ۱۹۸۹، ص ۴۱۵).

ایتالیا، که در قرن نوزدهم قانون حق مالکیت گسترده‌ای داشت، نوآوری‌هایی در قرن بیستم پدید آورد که روح آن تجدید نظر معاهده برن در ۱۹۲۸ در کنفرانس رم را تحت تأثیر قرار داد و بر قانون حق مؤلف سال ۱۹۴۱ ایتالیا سخت تأثیر گذاشت (سانکتیس، ۱۹۸۹، ص ۴۴۹). کشورهای دانمارک، فنلاند، ایسلند، نروژ و سوئد که قانون حق مؤلف آن‌ها بسیار شبیه یکدیگر است، عمدتاً متأثر از معاهده برن، میثاق جهانی

1. Berne Convention

2. Statute of Anne

حق مؤلف (UCC) و معاهده رم است (اولسون، ۱۹۸۹، ص ۴۶۹).
قوانین حق مالکیت معنوی، خصوصاً حق مؤلف، در انگلستان تحت تأثیر تفکر اروپا به ویژه کشور فرانسه بود و معاهده برن نیز بر نگرش انگلستان نسبت به حق مؤلف اثر گذاشت. قانون برلن که تکیه بر حقوق جانبی حق مؤلف داشت، نه تنها بر قوانین انگلستان تأثیر نهاد بلکه کشورهای تحت الحمايه امپراتوری بریتانیا را نیز تحت تأثیر قرار داد (دورکین، ۱۹۸۹، ص ۴۸۵).

بیست کشور امریکای لاتین قوانین حق مؤلف خود را نخست از قوانین مرتبط در کشور فرانسه اخذ کردند، هر چند کلیه حقوق مادی مؤلف در این کشورها امروزه تابع معاهده برن و میثاق جهانی حق مؤلف است (جسن، ۱۹۸۹، ص ۶۸۰).

حق مؤلف در هند ریشه در قوانین هند بریتانیا دارد. حتی پس از استقلال هند نیز این پیوند همچنان پابرجا بود. معاهده‌های برن و میثاق جهانی نیز، همسو با اثرگذاری بر قوانین انگلستان، قانون حق مؤلف هند را نیز تحت تأثیر قرار داد (پونوسوامی، ۱۹۸۹، ص ۷۳۲-۷۳۳).

قانون نوین حق مؤلف در ژاپن مربوط به سال ۱۸۹۹ است. در واقع، همین قانون بود که اصول معاهده برن را در مورد حمایت از آثار ادبی و هنری رعایت کرد تا ژاپن بتواند به این معاهده بپیوندد. نخستین صورت این قانون به اقتباس از کشورهای آلمان و بلژیک فراهم شده بود (دوبی، ۱۹۸۹، ص ۷۷۷).

هنگ‌کنگ، به دلیل آنکه دهه‌های متمادی مستعمره انگلستان بود، قانون حق مؤلف ۱۹۱۱ انگلیس را اجرا می‌کرد. حتی تجدید نظر سال‌های ۱۹۵۶ و ۱۹۸۸ حق مؤلف انگلیس نیز در هنگ‌کنگ اعمال گردید (فریتاس، ۱۹۸۹، ص ۸۱۵).

اندونزی نیز، که در گذشته جزو مستعمرات هلند بود، پس از این‌که در

سال ۱۹۴۹ به استقلال دست یافت، در زمینه حق مؤلف از قانون ۱۹۱۲ هلند تبعیت می‌کرد، گرچه از سال ۱۹۸۷ قانون جدید حکمفرما گردید که هنوز هم معتبر است (فریتاس، ۱۹۸۹، ص ۸۲۰).

مالزی، پس از کسب استقلال در سال ۱۹۶۳، به دلیل آن‌که قبلاً مستعمره انگلستان بود، از قانون حق مؤلف ۱۹۱۱ انگلیس پیروی می‌کرد. این امر در مورد همسایگان مالزی، یعنی بروئی و سنگاپور، نیز صادق بوده است (فریتاس، ۱۹۸۹، ص ۸۴۷).

استرالیا از ۱۹۰۵ دارای قانون حق مؤلف بود، اما در سال ۱۹۱۲ قانونی تدوین کرد که از برآیند قانون پیشین این کشور و قانون ۱۹۱۱ انگلستان پدید آمده بود. در سال ۱۹۶۸ نیز قانونی تدوین کرد که بسیار متأثر از قانون ۱۹۵۶ انگلیس بود. استرالیا نیز، به اقتباس از انگلستان، به معاهده برن و میثاق جهانی حق مؤلف پیوست (لاهور، ۱۹۸۹، ص ۸۸۳). در ایران نیز حق مؤلف دارای دو قانون با نام‌های «قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» مصوب سال ۱۳۴۸ و «قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی» مصوب ۱۳۵۲ است که هر دو برگرفته از قوانین مشابه در اروپا به ویژه فرانسه است (پهلوان، ۱۳۶۶، صص ۳۰۲-۳۰۶ و ۳۰۸-۳۰۶).

آنچه در متون و منابع در این زمینه آمده حاکی از روابط متقابل کشورهای مختلف در پدید آمدن قوانین ملی حق مؤلف از یک سو و تأثیر و تأثر قوانین ملی و بین‌المللی از سوی دیگر است؛ و هرگاه این روابط را به صورت خطوط ارتباطی ترسیم کنیم، به شبکه درهم‌تنیده‌ای دست خواهیم یافت که حاکی از پیوندهای نانوشته کشورهای در زمینه حق مؤلف است. بنابراین، زمانی که چنین پیوندهایی در تدوین قوانین وجود دارد، دلیلی نمی‌توان یافت که اجرای این قوانین نیز از نوعی همگونی و هماهنگی برخوردار نباشد. قوانین یکسان و روابط متقابل جوامع، هم به

سود جامعه جهانی و هم سبب حفظ منافع جوامع ملی است. بخش اعظم کشورهای جهان، امروزه عضو یک یا چند معاهده بین‌المللی حق مؤلف‌اند و، بدین ترتیب، می‌کوشند حق مالکیت معنوی پدیدآورندگان خود را در مقیاس جهانی حفظ کنند. تعدادی از این‌گونه میثاق‌های جهانی تحت مدیریت سازمان جهانی مالکیت معنوی (WIPO) قرار دارد که خود وابسته به سازمان ملل است (بین بریج، ص ۱۷).

سه توجیه مهم برای پیوستن به این‌گونه معاهدات را می‌توان حائز اهمیتی خاص دانست:

۱. معاهدات جهانی، از جمله معاهده برن و میثاق جهانی حق مؤلف، از حقوق مؤلفان کشورهای عضو حمایت می‌کنند. طبق معاهده برن، کلیه مؤلفان جوامع عضو نه تنها در سایر کشورهای عضو بلکه در داخل کشور خود نیز مورد حمایت قرار می‌گیرند (برن، ماده ۳، بند ۱، بخش الف). در میثاق جهانی حق مؤلف (UCC) نیز همین مفهوم با بیان دیگری عنوان شده است (ماده ۲، بند ۳).

۲. عضویت در بخش‌های مختلف سازمان ملل و نهادهای مرتبط با آن (نظیر WIPO)، به‌ویژه اگر به صورت مشارکتی فعالانه باشد، خود، سهمین شدن در حرکت‌های جامعه جهانی و نوعی مقابله با عناصری است که در مقیاس بین‌المللی می‌کوشند کشور ما را هر چه بیشتر به انزوا بکشند و آن را مخالف‌خوان معرکه جهانی قلمداد کنند. پیوستن به معاهدات جهانی حق مؤلف، در واقع، بازگشودن درهای بسته‌ای است که مشارکت‌های دیگری را، که امروز از آن‌ها محروم مانده‌ایم، برای ما فراهم می‌آورد؛ پدیدآورندگان ما را در مقیاس جهانی مطرح می‌سازد؛ از برخی تجاوزها، افسست‌ها و فقل‌شکنی‌های غیر مجاز جلوگیری می‌کند؛ و، در مجموع، سبب می‌شود که حیثیت جامعه ما را، که برخی کشورها در صدد خدشه‌دار

کردن آن هستند، در جامعه جهانی حفظ کند.

۳. مشارکت فعال در نظام جهانی حق مؤلف، در واقع، نوعی مبادله افکار و اندیشه‌ها در مقیاس گسترده و صورتی از گفت‌وگوی میان جوامع و فرهنگ‌ها و تمدن‌هاست که ایران، خود، طراح و حامی این حرکت در نظام بین‌المللی بوده است.

منابع و مأخذ

۱. پهلوان، چنگیز (۱۳۶۶). کتابنامه‌ی ایران، تهران، نشر نو.
2. Bainbridgem David (1999). *Intellectual Property, 4th ed*, London: Pitman Publishing.
3. *Berne Convention for the Protection of Literary and Artistic Works*, Paris Act, 24 July 1971.
4. Doe, Teruo (1989). *Japan*, in Stewart..., PP. 776-814.
5. Dworkin, Gerald (1989). *United Kingdom*, in Stewart..., PP. 485-524.
6. Freitas, Denis (1989). *Hong Kong*, in Stewart..., PP. 815-819.
7. Freitas, Denis (1989). *Indonesia*, in Stewart..., PP. 820-829.
8. Freitas, Denis (1989). *Malaysia*, in Stewart..., PP. 847-858.
9. Jessen, Henry (1989). *Latin America*, in Stewart..., PP. 679-730.
10. Lahore, James (1989). *Australia*, in Stewart..., PP. 883-905.
11. Nasri, William (1993). *Copyright in world Encyclopedia of Library and Information services*, 3rd, ed.
12. Olsson, Henry (1989). *The Nordic Countries*, in Stewart..., PP. 468-484.
13. Ponnuswami, K. (1989). *India*, in Stewart..., PP. 731-775.
14. Sanctis, Valerio (1989). *Italy*, in Stewart..., PP. 448-467.
15. Stewart, Stephen & Sandison, Hamish (1989). *International Copyright and Neighbouring Rights*, 2nd ed, London: Butterworths.
16. Thompson, Edward (1989). *Spain*, in Stewart..., PP. 363-372.
17. Ulmer, Eugen (1989). *Germany*, in Stewart..., PP. 414-447.
18. Universal Copyright Convention as revised at Paris on 24 July 1971.